

اوامن چک

الیاس بیگدلی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، ناحیه ۱ شهریار

این پژوهش به منظور بررسی علل مراجعه ی کم تر دانش آموزان به مشاوران، از دیدگاه دانش آموزان شهر خدابنده ی زنجان انجام شده است. جامعه ی آماری پژوهش ۳۱۸۶ نفر از دانش آموزان دوره ی متوسطه شهرستان خدابنده بودند که از این تعداد، با استفاده از روش ترکیبی (طبقه ای و تصادفی ساده)، ۲۴۶ نفر به عنوان نمونه ی آماری انتخاب شدند. در پاسخ به سؤال کلی پژوهش، سه سؤال زیر مطرح شد:

۱. آیا علت مراجعه ی کم تر دانش آموزان به مشاوران، با عوامل مربوط به مشاوران در ارتباط است؟

۲. آیا علت مراجعه کم تر دانش آموزان به مشاوران، مربوط به خود دانش آموزان است؟

۳. آیا علت مراجعه ی کم تر دانش آموزان به مشاوران، به عوامل محیط مدرسه مربوط است؟

برای پاسخگویی به سؤالات پژوهشی فوق و جمع آوری اطلاعات، از پرسش نامه ای ۲۶ سؤالی و بسته پاسخ استفاده شد. سپس نتایج به استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده. در نهایت این نتیجه به دست آمد که دانش آموزان علت مراجعه ی کم تر به مشاوران را مربوط به خودشان می دانند. در مقاله به تفصیل در مورد عوامل مؤثر در این زمینه بحث شده است.

آر دارد؟

بررسی علل مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران

برنامه‌ها و محتوای آموزشی با توجه به نیازها و امکانات دانش‌آموزان تهیه و اجرا شوند. از طریق خدمات مشاوره و راهنمایی می‌توان توانایی‌ها و محدودیت‌های دانش‌آموزان را شناخت و از امکانات موجود استفاده‌ی بهینه کرد. از ویژگی‌های بارز نظام آموزش متوسطه کشور، وجود سیستم مشاوره و راهنمایی است. تعداد زیادی از مشاوران برای راهنمایی تحصیلی، شغلی و سازشی و مدرسه‌ها مشغول به کار هستند و در این راستا، تشکیلات مالی، انسانی فراوانی صرف شده است [فتحی، ۱۳۷۸].

حال این سؤال پیش می‌آید که با وجود منابع مالی و انسانی صرف شده، تا چه اندازه مشاوران موفق بوده‌اند؟ فتحی (۱۳۷۸) در بیان نتایج تحقیق خود، به طور ضمنی به این سؤال پاسخ گفته است. او بیان می‌کند، از دیدگاه دانش‌آموزان، مشاوران در زمینه‌ی مشاوره‌ی تحصیلی موفق عمل کرده‌اند اما در زمینه‌ی مشاوره‌ی شغلی و سازشی موفقیت کم‌تری داشته‌اند.

محقق دیگری در همین زمینه نتیجه می‌گیرد، بیش‌ترین درصد مراجعه در مورد انتخاب واحدهای درسی بوده است و کم‌ترین مراجعه در مورد مسائل روحی و روانی، عاطفی و خانوادگی. تحقیقات دیگری بر عوامل مؤثر در جذب دانش‌آموزان به فعالیت‌های مشاوره تأکید کرده‌اند. برای مثال، تحقیقی به این نتیجه رسیده است که عواملی مثل سن، جنس،

مشاوره به عنوان یک حرفه در جامعه‌ی ما در حال گسترش است و بیش از گذشته، به وجود آن در مدرسه‌ها احساس نیاز می‌شود. از چند سال قبل، معلمان دریافته‌اند که بدون کمک مشاور، در اکثر موارد نمی‌توانند از توانایی‌های دانش‌آموزان تا حد امکان استفاده کنند. به عبارت دیگر، مشاوره از دیدگاه معلمان و مدیران وسیله‌ای است که در بهبود تحصیل دانش‌آموزان و ثبات عاطفی آنان مفید و مؤثر واقع شده است [فتحی، ۱۳۷۸]. همچنین، مشاوره در کاهش رفتارهای نامناسب و افزایش رفتارهای مناسب تأثیر فراوانی داشته است. سرانجام آن که مشاوره به دانش‌آموزان کمک می‌کند، شیوه‌ی زندگی خود را انتخاب کنند [شفیع‌آبادی، ۱۳۷۸].

دانشمندان علم روان‌شناسی معتقدند، ما وقتی بیش‌تر به رشد و کمال نزدیک می‌شویم که بتوانیم بهتر تصمیم بگیریم و دانش‌آموزان نیز مانند هر انسانی، در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی خود یاری و کمک دیگران نیاز دارند. هرچه در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی به آن‌ها کمک شود، مؤثرتر، موفق‌تر و خوشحال‌تر زندگی می‌کنند. از جمله تصمیم‌گیری‌های عمده‌ی زندگی دانش‌آموزان، تصمیم‌گیری درباره‌ی تحصیل و انتخاب شغل است که بر تصمیم‌گیری‌های بعدی آن‌ها اثر می‌گذارد. دانش‌آموزان در تمام مراحل، به راهنمایی و کمک فردی نیازمند هستند که آن‌ها را خوب بشناسد و تجربه و تخصص لازم را در این زمینه داشته باشد و بتواند آن‌ها را از حدود توانایی‌ها و استعدادهایشان آگاه سازد. [قاضی، ۱۳۷۳].

هدف‌های آموزش و پرورش زمانی تحقق می‌یابند که

علت مراجعه‌ی کم‌تر یا مراجعه نکردن دانش‌آموزان به مشاوران مربوط به خود دانش‌آموزان است و این علت را هم می‌توان در عواملی از جمله خلاصه کرد: ناآشنایی با وظایف، مسؤلیت‌ها و خدمات مشاوره و راهنمایی؛ نداشتن وقت کافی برای مراجعه به مشاور؛ داشتن این استنباط که مراجعه به مشاور تشریحی ضعیف دانش‌آموز است و...

می‌شود که در آن، پژوهشگران با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازند. به عبارت دیگر، طرح تحقیق پس-رویدادی گذشته‌نگر است و سعی بر آن دارد که از معلول به علت احتمالی پی ببرد [سرمد و دیگران، ۱۳۸۲]. در این پژوهش نیز، «مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان» به عنوان متغیر وابسته قبلاً اتفاق افتاده است و محقق با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. به همین دلیل، طرح مناسب این پژوهش پس-رویدادی است.

جامعه‌ی آماری این پژوهش را دانش‌آموزان دختر و پسر ۱۱ آموزشگاه شهر خدابنده تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ جمعاً ۳/۱۸۶ نفر (۱۵۱۵ نفر دختر و ۱۶۷۱ نفر پسر) بودند و از بین جامعه‌ی آماری تعداد ۲۴۶ (۱۱۶ نفر دختر و ۱۳۰ نفر پسر) با کمک روش‌های نمونه‌گیری طبقه‌ای و تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از پرسش‌نامه‌ای حاوی ۲۶ سؤال بسته پاسخ استفاده شد. ضریب پایانی این پرسش‌نامه بر اساس روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ برآورد گردید و اطلاعات به دست آمده با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی، درصد و جدول ۱) و آمار استنباطی (آزمون دو جمله‌ای Z با تقریب نرمال) تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

سؤال پژوهشی اول: «آیا علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران، با عوامل مربوط به مشاوران در ارتباط است؟»

وضعیت تأهل و وضعیت ظاهری مشاور در انتخاب وی توسط مراجع تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، مراجعان، مشاورانی را ترجیح می‌دهند که تا سر حد امکان اسرار آنان را حفظ کنند [مشکیدی حقیقی، ۱۳۷۳]. و یا در تحقیق دیگری، محقق به این نتیجه می‌رسد که اکثر دانش‌آموزان به مشاوران مدرسه بیش از سایر کارکنان مدرسه اعتماد دارند [بخشی پور جویباری، ۱۳۷۴].

پاترسون (۱۹۸۶) می‌گوید، تجربه نشان می‌دهد، جوانان تقاضای چندانی برای دریافت کمک ندارند و گاه از معاضدت‌ی که به آن‌ها می‌شود، روی برمی‌تابند. اگرچه جوانان از طلب مشاوره و روان‌درمانی، به وسیله‌ی مشاوران و روان‌درمانگران زیادی تذکر داده شده است. باید گفت، فقط جوانان معدودی به دلیل مسائل شخصی برای مداوا مراجعه می‌کنند. بر اساس بررسی‌های به عمل آمده مشخص شده است، بسیاری از دانش‌آموزان با توجه به داشتن مسائل و مشکلات روحی و روانی، اخلاقی، آموزشی، خانوادگی،... با هم به مشاوران مراجعه نمی‌کنند. تحقیقات موجود در زمینه‌ی مشاوره هم به طور دقیق، واضح و علمی پاسخگوی این سؤال نیست. همین امر انجام این پژوهش را ضروری می‌سازد. پس این سؤال به عنوان سؤالی اساسی هنوز مطرح است که واقعاً علت‌های مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران مدرسه چیست؟ برای پاسخگویی به سؤال کلی مذکور، سه سؤال پژوهشی زیر مطرح شد:

۱. آیا علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران، با عوامل مربوط به مشاوران در ارتباط است؟
۲. آیا علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران، مربوط به خود دانش‌آموزان است؟
۳. آیا علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران به عوامل محیط مدرسه مربوط است؟

روش تحقیق

طرح تحقیق پس-رویدادی معمولاً به تحقیقاتی اطلاق

جدول ۱
توزیع فراوانی، درصد و نمره‌ی Z مربوط به سؤال پژوهشی اول

| گزینه | فراوانی | درصد | احتمال آزمون | احتمال مشاهده شده |
|-------|---------|------|--------------|-------------------|
| بله | ۷۶ | ۳۱ | ۰/۵۰۰ | ۰/۳۱۰ |
| خیر | ۱۷۰ | ۶۹ | | |

تغییر یافته‌ها و نتیجه‌گیری

■ آیا علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران، با عوامل مربوط به مشاوران در ارتباط است؟

با به کارگیری روش‌های آمار استنباطی در قسمت یافته‌ها به این نتیجه رسیدیم که علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران با عوامل مربوط به مشاوران ارتباطی ندارد. اما این سؤال مطرح می‌شود که چرا دانش‌آموزان علت مراجعه‌ی کم‌ترشان را، به مشاوران و عوامل مربوط به مشاوران نسبت نمی‌دهند. در یکی از تحقیقات، اکثر دانش‌آموزان اظهار داشتند که به مشاوران مدرسه بیش از دیگران اعتماد دارند [بخشی پور، ۱۳۷۲]. تحقیق دیگری نیز بیان می‌کند که اکثر دانش‌آموزان، اولیا و مدیران اعلام کرده‌اند، مشاوران مدرسه‌ها به طور واقعی به حل مشکلات دانش‌آموزان علاقه‌مند هستند که این موضوع می‌تواند بیانگر یکی از صفات مشاوران باشد. آن‌ها همچنین، رابطه‌ی مشاور مدرسه با دانش‌آموزان را دوستانه و نیز حافظ اسرارشان می‌دانند [قاسمی، ۱۳۷۴].

این یافته‌ها همه حکایت از آن دارند که رابطه‌ی دانش‌آموزان با مشاوران دوستانه و صمیمی است. و مشاوران برای دانش‌آموزان در مدرسه مسائل و مشکلاتی ایجاد نمی‌کنند یا دانش‌آموزان با آنان برخورد ندارند. در ضمن، انجام راهنمایی‌های گروهی توسط مشاوران، مثل برگزاری

مطابق جدول ۱، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = 0/05$)، چون احتمال مشاهده شده کوچک‌تر از احتمال آزمون است، پس فرض خلاف رد و فرض صفر تأیید می‌شود؛ یعنی علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران، با عوامل مربوط به مشاوران در ارتباط نیست.

سؤال پژوهشی دوم: «آیا علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران، مربوط به خود دانش‌آموزان است؟»

جدول ۲

توزیع فراوانی، درصد و نمره‌ی Z مربوط به سؤال پژوهشی دوم

| گزینه | فراوانی | درصد | احتمال آزمون | احتمال مشاهده شده |
|-------|---------|-------|--------------|-------------------|
| بله | ۱۲۶ | ۵۱/۱۲ | ۰/۵۰۰ | ۰/۵۱۱ |
| خیر | ۱۲۰ | ۴۸/۸۸ | | |

مطابق جدول ۲، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = 0/05$)، چون احتمال مشاهده شده بزرگ‌تر از احتمال آزمون است، پس فرض صفر رد و فرض خلاف تأیید می‌شود؛ یعنی علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران مربوط به خود دانش‌آموزان است.

سؤال پژوهشی سوم: «آیا علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران، به عوامل محیط مدرسه مربوط است؟»

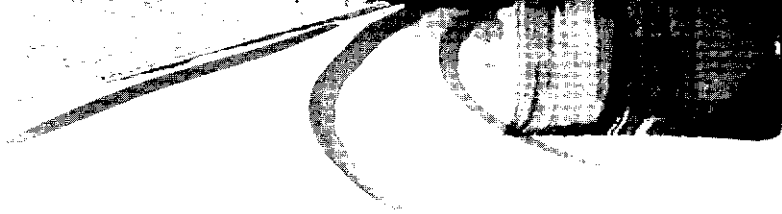
جدول ۳

توزیع فراوانی، درصد و نمره‌ی Z مربوط به سؤال پژوهشی سوم

| گزینه | فراوانی | درصد | احتمال آزمون | احتمال مشاهده شده |
|-------|---------|-------|--------------|-------------------|
| بله | ۹۰ | ۳۶/۴۷ | ۰/۵۰۰ | ۰/۳۶۴ |
| خیر | ۱۵۶ | ۶۳/۵۳ | | |

مطابق جدول ۳، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ($\alpha = 0/05$)، چون احتمال مشاهده شده کوچک‌تر از احتمال آزمون است، پس فرض صفر تأیید و فرض خلاف رد می‌شود؛ یعنی علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران به عوامل محیط مدرسه مربوط نیست.

پس از میان سه سؤال پژوهشی، تنها سؤال پژوهشی دوم مورد تأیید واقع شد؛ یعنی علت مراجعه کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران مربوط به خودشان است و به دو عامل دیگر (مشاوران و محیط مدرسه) ارتباطی ندارد.



مشکلات شخصی را جزو وظایف مشاوران نمی‌دانند. علاوه بر این‌ها، انتظارات و توقعات دانش‌آموزان از مشاوران در حد باین، آن هم در حد مشاوره‌ی تحصیلی و انتخاب واحد است. همان‌طور که نتایج یکی از تحقیقات نشان می‌دهد، دانش‌آموزان در حیطه‌ی هدایت تحصیلی بیش از سایر حیطه‌ها از مشاوران انتظار دارند [باستانی، ۱۳۸۰] و همین هدایت تحصیلی هم بیش‌تر به صورت گروهی انجام می‌شود و نیازی به مراجعه‌ی دانش‌آموز به مشاور نیست، بلکه مشاور به دانش‌آموزان (کلاس درس) مراجعه می‌کند. البته نتیجه‌ی سؤال پژوهشی دوم با نتایج تحقیق شیخو (۱۳۷۳) و قاسمی (۱۳۷۴) هم‌خوانی دارد.

■ آیا علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران به عوامل محیط مدرسه مربوط است؟

تجزیه و تحلیل این سؤال نشان داد، دانش‌آموزان علت مراجعه‌ی کم‌ترشان به مشاوران را به محیط مدرسه مربوط نمی‌دانند. این نظر را می‌توان در پاسخ دانش‌آموزان به موارد زیر مشاهده کرد:

- ۹۴ درصد اعلام کرده‌اند، در مدرسه اتاق مشاوره‌ی جداگانه وجود دارد.

- به گفته‌ی ۵۵ درصد، اتاق مشاوره در معرض دید کارکنان مدرسه نیست،

- ۸۶ درصد اظهار داشته‌اند، داخل اتاق مشاوره از بیرون نمایان نیست.

- ۶۴ درصد گفته‌اند، مشاور اکثر اوقات اداری در اتاقش حضور دارد.

- ۷۶ درصد اعلام کرده‌اند که دوستانشان مانع مراجعه‌ی آن‌ها به مشاوران نمی‌شوند.

- ۷۸ درصد اظهار داشته‌اند، اگر به مشاوران مراجعه کنند، نظر مدیر و معاونان نسبت به آن‌ها منفی نمی‌شود.

- ۶۹ درصد گفته‌اند، اگر به مشاوران مراجعه کنند مورد تمسخر هم کلاسی‌هایشان قرار نمی‌گیرند.

پس با توجه به موارد ذکر شده می‌توان گفت، عوامل محیطی در مراجعه نکردن و یا مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به طور معنی‌دار مؤثر نبوده است.

تست‌های هالند، ریون، بینه و سیمون در کلاس‌های درس باعث شده است، دانش‌آموزان نسبت به عملکرد و شخصیت مشاوران نگرش مثبت داشته باشند.

■ آیا علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاوران، مربوط به خود دانش‌آموزان است؟

در قسمت یافته‌ها مشخص شد، علت مراجعه‌ی کم‌تر دانش‌آموزان به مشاور مربوط به خود دانش‌آموزان است. البته دانش‌آموزان این موضوع را در پاسخگویی به سؤالات پرسش‌نامه به وضوح به این شرح بیان کرده‌اند:

- ۶۷ درصد دانش‌آموزان نظرشان این است که حل مشکلات شخصی، روحی و روانی دانش‌آموزان، از وظایف مشاوران نیست. این امر حکایت از آن دارد که دانش‌آموزان با همه‌ی وظایف مسؤولیت‌های مشاوران مدرسه‌ها آشنا نیستند.

- ۵۳ درصد اعلام کرده‌اند، مشکلی داشته و نیازمند مشاوره و راهنمایی دیگران بوده‌اند، ولی به مشاوران مراجعه نکرده‌اند.

با توجه به این که از یک سو، در سؤال پژوهشی اول بیان شد که دانش‌آموزان به مشاوران اعتماد دارند، ولی از سوی دیگر، با داشتن مشکل به آن‌ها مراجعه نمی‌کنند، می‌توان چنین قضاوت کرد که دانش‌آموزان رسیدگی به مسائل و مشکلات شخصی و روانی را جزو وظایف مشاوران نمی‌دانند. البته نمی‌توان گفت

که این کار را در حد توان مشاوران نمی‌دانند، چون در سؤال ۷ پرسش‌نامه اعلام کرده‌اند، مشاوران افراد توانمندی در حل مشکلات هستند.

- ۵۲ درصد دانش‌آموزان اعلام کرده‌اند، رجوع به مشاوران نشانه‌ی ضعف دانش‌آموزان است؛ یعنی از اعتماد به نفس لازم برخوردار نیستند.

- ۵۸ درصد اعلام کرده‌اند، با وظایف و خدمات مشاوره و راهنمایی به حد کافی آشنا نیستند.

- ۷۱ درصد اعلام کرده‌اند، در مدرسه وقت کافی برای مراجعه به مشاور نیست. چون در زمان حضور در مدرسه مجبورند

در کلاس‌های درس حاضر باشند. پس از تعطیلی کلاس‌ها هم مشاوران در مدرسه حضور ندارند. پس فرصت برای مراجعه به مشاور باقی نمی‌ماند.

- ۵۲ درصد اعلام کرده‌اند، اگر مشکل کاملاً شخصی برایشان پیش آید، به مشاور احساس نیاز نمی‌کنند؛ چون حل

نتیجه گیری نهایی و پیشنهادات

پس علت مراجعه‌ی کم‌تر یا مراجعه نکردن دانش‌آموزان به مشاوران مربوط به خود دانش‌آموزان است و این علت را هم می‌توان در این عوامل خلاصه کرد: ناآشنایی با وظایف، مسؤولیت‌ها و خدمات مشاوره و راهنمایی؛ نداشتن وقت کافی برای مراجعه به مشاور؛ داشتن این استنباط که مراجعه به مشاور نشانه‌ی ضعف دانش‌آموز است؛ پائین بودن اعتماد به نفس دانش‌آموزان؛ حل مسائل و مشکلات شخصی، اخلاقی، روانی و... را جزو وظایف مشاوران ندانستن؛ پائین بودن سطح انتظارات دانش‌آموزان از مشاوران؛ انجام گرفتن مشاوره‌ی تحصیلی به صورت گروهی در کلاس‌ها.

قطعاً با رفع این موانع، از یک سو میزان مراجعه‌ی دانش‌آموزان به مشاوران افزایش خواهد یافت و از سوی دیگر، بسیاری از مسائل و مشکلات تحصیلی، روانی، اخلاقی، خانوادگی و... دانش‌آموزان حل خواهد شد. علاوه بر این، می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه کرد:

۱. مشاوران کوشش کنند، هم‌دلی و رابطه‌ی حسنه‌ی بیش‌تری بین آنان و دانش‌آموزان برقرار شود تا در نتیجه، دانش‌آموزان برای مراجعه به مشاوران کم‌تر احساس کم‌رویی کنند و با اعتماد به نفس لازم این کار را انجام دهند.

۲. حداقل نیم‌ساعت بعد از تعطیلی مدرسه، مشاوران در مدرسه حضور داشته باشند تا دانش‌آموزان فرصت بیش‌تری برای مراجعه داشته باشند.

۳. مشاوران شرح وظایف، هدف‌ها، برنامه‌ها و مسؤولیت‌های خود را در مراسم صبحگاهی و یا در قالب بروشور و روزنامه‌ی دیواری در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند.

۴. مشاوران بکوشند، در زنگ‌های تفریح همیشه در دفتر کار خود حضور داشته باشند.

۵. مشاوران سعی کنند، با نظرخواهی از معلمان، مدیر و معاونان، دانش‌آموزان نیازمند به کمک را شناسایی کنند. سپس با تبحر خاصی به آنان نزدیک شوند و در جهت حل مشکل آنان تلاش کنند.

۶. مشاوران به دانش‌آموزان اطمینان دهند، هم‌توانایی حل مسائل و مشکلات اخلاقی، روحی و روانی، خانوادگی شخصی آن‌ها را دارند و هم مسائل مطرح شده محرمانه خواهد ماند.

منابع

۱. باستانی، نسرين. «بررسی انتظارات دانش‌آموزان و والدین و مدیران از مشاوران در منطقه ی ۱۳ تهران»، ۱۳۸۰.
۲. بخشی پور جویباری، باب‌اله. «بررسی میزان موفقیت مشاوران مدارس در کمک به حل مشکلات شغلی، شخصی و خانوادگی دانش‌آموزان دبیرستانی تهران»، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۴.
۳. سرد، زهره، و بازرگانی و حجازی، روش تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات بعثت. تهران. ۱۳۷۶.
۴. شفیق آبادی، عبدالله. کلیاتی درباره‌ی مشاوره و راهنمایی. انتشارات سمت. تهران. ۱۳۷۸.
۵. شیخو، ناهید و توفیق، فریبا. «ارزیابی فعالیت‌های مشاور در دبیرستان‌های نظام جدید اهواز». ماهنامه‌ی تربیت. شماره‌ی ۲. آبان ۱۳۷۳.
۶. فتحی، محمدرضا. «بررسی عملکرد مشاوران شاغل در مدارس نظام جدید متوسطه از دیدگاه دانش‌آموزان پسر در شهرستان اسلام‌شهر». دانشگاه آزاد. ۱۳۷۸.
۷. قاسمی، کرامت. «بررسی میزان موفقیت مشاوران نظام جدید در ارائه‌ی برخی خدمات مشاوره از نظر دانش‌آموزان و دبیران آگاه». دانشگاه تربیت معلم. ۱۳۷۴.
۸. مشکید حقیقی، محسن. «بررسی عوامل مؤثر در مراجعه‌ی دانش‌آموزان به مشاوران». دانشگاه علامه طباطبایی. ۱۳۷۳.
9. Patterson, C.H. (1986). Theories of Counseling and psychotherapy. New York: Harper and Row.

